

بولنت ارس*

ترجمه: حمید احمدی**

اشاره:

به دنبال سقوط اتحاد شوروی و ظهور جمهوری‌های جدید در قفقاز و آسیای مرکزی، اسرائیل تلاش‌های گسترده‌ای برای نفوذ اقتصادی و سیاسی در این منطقه آغاز کرد. کشورهای فوق نیز که به لحاظ اقتصادی از جمله کشورهای توسعه نیافته اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شوند، از همکاری با اسرائیل جهت رسیدن به توسعه اقتصادی استقبال کرده‌اند. در این بستر یک اتحاد استراتژیک میان اسرائیل، ترکیه و برخی کشورهای جدید التاسیس بویژه جمهوری آذربایجان در برابر نفوذ احتمالی و بالقوه ایران ایجاد شده است. مقاله زیر که در نوع خود اولین مطلب در نشریات فارسی زبان ایران در سالهای پس از جنگ سرد است، استراتژی مذکور را به خوبی به نمایش می‌گذارد. فصلنامه مطالعات خاورمیانه امیدوار است انتشار این مقاله زمینه تحقیقات بیشتر پیرامون موضوع در ایران را فراهم کرد. و انگیزه لازم را جهت اتخاذ سیاست خارجی فعال در راستای منافع ملی ایران در منطقه فراهم سازد - م

موازنه‌های سریعاً متغیر سالهای دهه ۱۹۹۰ و تحولات جدید ناشی از تشدید جهانی شدن اقتصادی، اسرائیل را به ارزیابی و شکل دهی مجدد استراتژی سیاست خارجی خود وادار کرده است. مراحل تاکتیکی استراتژی جدید اسرائیل به شرح زیر هستند: ۱) حل

* محقق مرکز مطالعات اوراسیا در دانشگاه ایندیانا

** دکتر حمید احمدی استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران می‌باشند

کشمکش‌های مرزی خودو تشکیل یک کمربند امنیتی در درون فرایند صلح؛^۲ به فرجام‌رساندن فرایند ادغام و کسب شناسایی به عنوان یک دولت مشروع و برابر در منطقه خود در این کمربند امنیتی؛^۳ رسیدن به انعطاف دیپلماتیک در ایجاد کشمکش‌های بین‌الدولی کشورهای خاورمیانه؛^۴ بهره‌برداری از منابع منطقه و ارائه پروژه‌های چند کشوری تحت حمایت جوامع یهودی بین‌المللی؛^۵ بازکردن دروازه آسیا به روی خود و آنگاه توسعه روابط دیپلماتیک و اقتصادی خود با کشورهای جنوبی‌تر، پس از کسب مشروعیت در منطقه؛^۶ استفاده از فرصت‌های ایجاد شده فوق‌الذکر برای رسیدن به موقعیت پرنفوذ در شکل دادن به استراتژی‌های جهانی و گریز از محدوده‌های خاورمیانه به منظور تضمین یک حضور جهانی بزرگتر.^۱

این اولین تلاش اسرائیل برای ایجاد یک حوزه نفوذ در منطقه خاورمیانه بزرگ نیست. در سالهای دهه ۱۹۵۰، دیوید بن گورین رهبر اسرائیل در صدد بود تا یک اتحاد خاورمیانه‌ای غیرعربی شامل ترکیه، اتیوپی، ایران و اسرائیل به وجود آورد. این تلاش، که «استراتژی پیرامون» نامیده می‌شد در نهایت به دلیل سقوط شاه ایران در اواخر دهه ۱۹۷۰ به شکست انجامید.^۲ اما، از آن زمان به بعد اسرائیل در صدد گسترش روابط خود با هر کشور مسلمان «میان‌روی» بوده است که مایل است به تلاش جهت از بین بردن چهره ضداسلامی اسرائیل؛ یا از بین بردن این برداشت که تمام کشورهای مسلمان علیه اسرائیل متحد شده‌اند، کمک کند. به دنبال گرفتن درس عبرت از تلاش‌های قبلی، اسرائیل دیدگاه جامع‌تری را به عنوان بخشی از استراتژی جدید خود برای کسب نفوذ بیشتر در منطقه ارائه داده است. در این استراتژی بر جمهوری‌های جدید آسیای مرکزی تاکید خاصی گذاشته می‌شود.

منشأ منافع متقابل

با سقوط اتحاد شوروی، چندین جمهوری به دلیل موقعیت خود به عنوان کشورهای مسلمان، به بخشی از خاورمیانه تبدیل شدند. این دولت‌های آسیای مرکزی حتی قبل از کسب استقلال خود از مسکو در برنامه دولت اسرائیل مطرح شده بودند. تماس‌های شگفت‌آور اولیه و

توسعه روابط با این جمهوری‌ها دلیل اهمیت این منطقه برای اسرائیل است.

یک هدف این تلاش‌های اولیه مانع تراشی در برابر گسترش نفوذ عربی و ایرانی در جمهوری‌های جدید بود. هدف اصلی، پیش‌گیری از تهدید بنیادگرایی اسلامی بوده است. تلاش‌های اولیه برخی کشورهای عرب برای وارد کردن دولتهای آسیای مرکزی به کشمکش عربی-اسرائیلی، اسرائیل را نگران کرد.^۳ به این دلیل اسرائیل تلاش کرده است تا با امتیازات ذاتی کشورهای عرب و ایران که از نزدیکی فرهنگی و مذهبی آنها با مردم آسیای مرکزی سرچشمه می‌گیرد، به مقابله برخیزد. حتی اگر این سناریو امکان‌پذیر می‌بود، کشورهای آسیای مرکزی به اجتناب از درگیر شدن در مبارزات خاورمیانه تمایل شدید دارند.^۴

عزم دیپلماتیک سازمان آزادی‌بخش فلسطین در جمهوری‌های آسیای مرکزی برای بسیج حمایت از قضیه فلسطین وضع را در نظر دولت اسرائیل اغراق‌آمیز کرده است. دیدار عرفات از قزاقستان در ژانویه ۱۹۹۲ به شناسایی دولت فلسطین از سوی قزاقستان منجر شد. دوطرف برداشتن عالی‌ترین نمایندگی در طرف مقابل توافق کردند، و همین مسئله باعث اتخاذ اقداماتی از سوی اسرائیل در پاسخ به این توافق شد. اسحاق شامیر نخست‌وزیر سابق اسرائیل با نوشتن نامه‌ای به ۲۳ عضو کنگره آمریکا آنها را تشویق کرد تا از نفوذ خود برای متقاعد کردن قزاقستان در پایان دادن به نزدیکی روابطش با فلسطینی‌ها استفاده کنند. در ضمن، حکومت اسرائیل تلاش کرد تا جیمز بیکر سوم وزیر خارجه وقت آمریکا را مجبور سازد تا به قزاقستان هشدار دهد تا در روابط خود با سازمان آزادی‌بخش فلسطین تجدیدنظر کند.^۵ علی‌رغم این حرکت‌ها، سازمان آزادی‌بخش فلسطین حضور خود در کشورهای جدید آسیای مرکزی را حفظ کرد. در فوریه ۱۹۹۲ اعلام شد عرفات از ازبکستان دیدار می‌کند و در مارس همان سال، تاجیکستان روابط دیپلماتیک خود را با سازمان آزادی‌بخش فلسطین گسترش داد.^۶

در آوریل ۱۹۹۲، یک هیأت نمایندگی از یک از عربستان سعودی دیدار کرد و در کنفرانسی که خواستار شناسایی حقوق مشروع مردم فلسطین و یک راه حل عادلانه برای بررسی مسئله فلسطین شده بود، مشارکت کرد. پس از این حادثه، کنفرانس انجمن دوستی

داغستان-اسرائیل به دلیل عکس العمل احتمالی مسلمانان که می توانست به روابط با برخی کشورهای خاورمیانه لطمه وارد سازد، لغو شد.^۷

با این همه، به دلیل برخی امتیازاتی که اسرائیل در دست دارد، این تلاشها مانع رخنه آن در آسیای مرکزی نشده است. تصویر قدرتمند اسرائیل به عنوان یک جامعه سرمشق، یعنی کشوری کوچک اما از نظر سیاسی و اقتصادی قوی و در عین حال هم دموکراتیک و هم غیر دینی (سکولار) برای این کشورها امیدبخش بوده است.^۸ علی رغم قاعده کلی که جمهوری های آسیای میانه را دارای رهبران قوی و دموکراسی های ضعیف می داند، آنها تقریباً به گونه ای هماهنگ اهمیت ویژه ای به توسعه روابط با کشورهای دموکراتیک داده اند. اسرائیل در برقراری روابط با رژیم های مسلمان، چه دموکراتیک و چه اقتدارگرا، از یک روش عمل گرایانه پراگماتیک پیروی می کند. در این رابطه، حکومت های کشورهای جدید آسیای مرکزی همه توافق دارند که اسرائیل به خاطر مهارت های تکنولوژیک و نمونه دموکراتیک خود، می تواند ادغام این جمهوری های جدید را در نظام جهانی مدرن آسان کند. علاوه بر این، اسرائیل در بسیاری کشورها دروازه جهان غرب به طور عام و ایالات متحده آمریکا به طور خاص قلمداد می شود.^۹

آخرین امتیاز اسرائیل، که در محافل آکادمیک غالباً نادیده گرفته می شود، نتایج مهمی در پی دارد. کشورهای جدید آسیای مرکزی از نظر اقتصادی آنقدر فقیر هستند که مایلند یاری مالی پیشنهادی هر کشوری را به شکل سرمایه گذاری یا کمک مستقیم بپذیرند. بدین خاطر کشورهای جدید آسیای مرکزی از کمک اسرائیل استقبال کرده اند، و روابط به سرعت رو به توسعه بعدی، نشانه آشکار علایق وسیع رو به تزاید اسرائیل در خاورمیانه به مفهوم وسیع آن است.^{۱۰}

روابط با آمریکا، ترکیه و روسیه

استراتژی جدید اسرائیل در رابطه با جمهوری های در حال ظهور آسیای مرکزی به سه حرکت سیاسی مهم نیازمند بود. نخست، اسرائیل مجبور شده است تا سیاست خود در

قبال ایالات متحده آمریکا را مجدداً شکل بدهد. پس از پایان جنگ سرد، محیط استراتژیکی که باعث شد آمریکا به روابط با اسرائیل اولویت بدهد، شدیداً تغییر کرده است. نقشی که اسرائیل در خاورمیانه در برابر شوروی به عهده گرفته بود، دیگر اعتباری ندارد. بدین خاطر اسرائیل دست به کار شده است تا در جهت طرح یک جایگاه مناسب امنیتی جدید تلاش کند؛ و در این جهت نگاههای خود را کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز دوخته است.^{۱۱} به نظر می‌رسد که طرح اسرائیل آن باشد که از حمایت آمریکا از اقدامات خود در جمهوری‌های آسیای میانه بهره‌برداری کند.

در اوت ۱۹۹۲، ایالات متحده و اسرائیل پروژه مشترکی را در این جمهوری‌ها ارائه دادند که در آن آمریکا مخارج مالی لازم را تامین می‌کرد و اسرائیل انتقال تکنولوژی و تخصص در عرصه‌های خاص دیگر را به عهده داشت. اسرائیل تلاش کرده است تا تهدید بنیادگرایی اسلامی را جایگزین خطر سرخ سابق کند.^{۱۲} در این رابطه، به نظر می‌رسد که در بوق و کرنا کردن تهدید بنیادگرایانه اسلامی بر آسیای میانه جلب نظر عموم در غرب و به ویژه آمریکا را هدف قرار داده است. همان‌طور که بر همه آشکار است، رژیم‌های غربی به شدت طرفدار جوامع غیرمذهبی (سکولار) هستند. خلأ قدرت در آسیای مرکزی اسرائیل را تشویق کرده است تا شیوه‌های غربی حکومت را در این کشورها گسترش دهد.^{۱۳}

دومین حرکت سیاسی اسرائیل برقراری اتحاد با ترکیه بوده است. سقوط اتحاد جماهیر شوروی همان فرصتی را که برای اسرائیل پیش آمده است، برای دولت ترکیه به وجود آورده است. ظهور کشورهای جدید در آسیای مرکزی باعث یک چرخش عمیق در سیاست خارجی ترکیه شده است. و این کشور را وارد داشته است تا در جستجوی ابزار رخنه سیاسی-اقتصادی تاکتیکی در جمهوری‌های جدید آسیای مرکزی برآید.^{۱۴} تمایل به گسترش الگوی ترکی یعنی دموکراسی پارلمانی، اقتصاد بازار نسبتاً آزاد و سکولاریسم در یک جامعه اسلامی به تلاش‌های ترکیه انگیزه جدیدی داده است: احیاء جهان ترکی این فرصت را به ترکیه داده است تا اهمیت ژئواستراتژیک قبلی خود را به دست آورد.

ترکیه و اسرائیل تنها بازیگران خاورمیانه‌ای درگیر در استقرار حوزه‌های نفوذ در

آسیای مرکزی و منطقه قفقاز نیستند.^{۱۵} ایران و عربستان سعودی نیز در جهت بهبود روابط خود با کشورهای منطقه حرکت کرده اند، و این تحول راه را برای همکاری ضمنی میان اسرائیل و ترکیه در نتیجه موضع مشترک سکولاریستی آنها هموار کرد. یکی از متخصصان سیاست خارجی اسرائیل گفته است:

تصور وجود یک تهدید اسلامی ضد آمریکایی در خاورمیانه و آسیای مرکزی یک طرح بازاریابی دیگر برای اسرائیل ایجاد کرده است. با توجه به تلاش ترکیه، که همانند اسرائیل ظاهراً ارزش استراتژیک خود برای غرب را در نتیجه پایان جنگ سرد را از دست داد، جهت فروختن خود به عنوان یک «ستون» جدید طرفدار آمریکا علیه بنیادگرایی اسلامی، اندیشه اتحاد اسرائیلی-ترکی وارد استراتژی پس از جنگ سرد اسرائیل در قبال واشنگتن شده است.^{۱۶}

ترکیه همیشه نسبت به حمایت شدید از اسرائیل در ایالات متحده آگاهی دقیق داشته است، و اسرائیل به خاطر دیدگاه تاریخی تساهل آمیز امپراطوری عثمانی در قبال یهودیان، نسبت به ترکیه ابراز همدردی می کرده است. و البته، هردوی آنها کشورهای غیرعرب پیرامون جهان عرب هستند.

این نکته را باید افزود که افق همکاری میان اسرائیل و ترکیه در رابطه جمهوری های جدید به ایجاد موانع بر سر راه گسترش بنیادگرایی، سرمایه گذاری های مشترک در کشاورزی و بخشهای مربوطه، و کمک متقابل به ساختن برخی تسهیلات آموزشی محدود بوده است. هردو کشور می دانند که نمی توانند چاره ای برای بیماریهای سیاسی و اقتصادی آسیای مرکزی پیشنهاد کنند.

به هر حال، همکاری ایجاد شده، از دیدگاه هردو کشور اهمیت دارد. از دیدگاه اسرائیل، همکاری با ترکیه ممکن است برخی مشکلات موجود بر سر راه رخنه اسرائیل در بازارهای جمهوری های شوروی سابق را از میان بردارد. علاوه بر این، ترکیه متحد طبیعی اسرائیل در

مبارزه علیه ایران است. سفرنامه اوت ۱۹۹۴ تانسوچیلر نخست وزیر وقت ترکیه به اسرائیل نشانه اهمیت موردنظر اسرائیل برای منافع ترکیه بود. یکی از موضوعات اصلی مذاکرات سرمایه گذاری در کشورهای آسیای مرکزی بود. رادیو مسکو به این نکته اشاره کرد که هدف آنکارا و تل آویو سرمایه گذاری مشترک در جمهوری های شوروی سابق از مسایل کشاورزی گرفته تا حفاظت محیط زیست است و اضافه کرد که «این پروژه ها برای همه طرفین پرحاصل است».^{۱۷} در دسامبر ۱۹۹۶، نمایندگان ۳۰ شرکت اسرائیلی و ۱۰۰ شرکت ترکی به گردهم آمدند تا پروژه های مشترک در جمهوری های آسیای مرکزی را مورد بحث قرار دهند.^{۱۸} شاید بهترین مدرک برگشت ناپذیری روابط بهبود یافته میان آنکارا و تل آویو این واقعیت باشد که حکومت نو محافظه کار و اسلام گرای اربکان ترکیه، که قبلاً یک موضع تند اتخاذ کرده بود، عدم مخالفت خود با روابط نزدیک (میان ترکیه و اسرائیل) را اعلام کرد و علی رغم مقاومت اعراب، چندین توافق با اسرائیل در ۱۹۹۶ به امضا رساند.^{۱۹} در نیمه نخست ۱۹۹۷، یک رشته توافقات به توافقات قبلی افزوده شد.^{۲۰} بر طبق گزارشات مطبوعات، محافل نظامی ترکیه طرفدار روابط نزدیک تر با اسرائیل هستند؛ و چند عضو بلند پایه ارتشی در ماههای نخست سال ۱۹۹۷ از اسرائیل دیدار کردند.^{۲۱} چویک بیر معاون رئیس ستاد کل ارتش ترکیه استدلال می کرد که «ترکیه و اسرائیل دو کشور دمکراتیک منطقه هستند، و ما باید به منطقه نشان دهیم که دمکراسی ها می توانند با یکدیگر کار کنند».^{۲۲} سلیمان دمیرل رئیس جمهور ترکیه نیز طی مصاحبه ای با نشریه الوسط اهمیت همکاری اسرائیل-ترکیه برای ثبات خاورمیانه را مورد تاکید قرار داد.^{۲۳}

روشن است که پویایی های دوره پس از شوروی در خاورمیانه، اسرائیل، ترکیه و ایالات متحده آمریکا را زیر چتر منافع واحد گرد آورده است.^{۲۴} نشانه بعدی این همزمانی، پروژه کشاورزی جدیدی بود که این سه کشور در ۳۱ اکتبر ۱۹۹۴ در ازبکستان و ترکمنستان افتتاح کردند.^{۲۵}

در ضمن، مارک کرازمن سفیر آمریکا در آنکارا از این پروژه حمایت نمود اعلام کرد که «امکان بالقوه فراوانی در برنامه همکاری ترکیه-اسرائیل در آسیای مرکزی وجود دارد».^{۲۶}

هدف آشکار اسرائیل حفظ حمایت آمریکا در عین متعدد ساختن امتیازات سیاست خارجی خود آنها در زمانی است که ملت های عرب سرگرم مذاکرات صلح با اسرائیل هستند.

روسیه سومین نیرویی است که مانع بالقوه ای در برابر گسترش حضور اسرائیل در جمهوری های جدید آسیای مرکزی ایجاد کرده است. مرزهای ابر قدرت سابق در این جمهوری ها به طور سنتی نقش برجسته ای در سیاست و اقتصاد منطقه ایفا کرده است. طی دوره بعد از سقوط اتحاد شوروی، کشورهای اوراسیا موضعی اتخاذ کردند که برای اهداف سیاست خارجی اهمیت نخست را داشت. بنابراین، جای شگفتی نیست که روسیه با درگیر شدن اسرائیل در آسیای مرکزی به شدت مخالفت ورزیده است: «از جمله طرفداران این موضع ولادیمیر ژیرونوفسکی ضد سامی و ضد اسرائیلی بود، که مقام سوم را در انتخابات ریاست جمهوری ژوئن ۱۹۹۱ کسب کرد.»^{۲۷} اسرائیل از این نکته آگاهی داشته است که روسیه می تواند لطمه زیادی وارد کند، و به همین خاطر مایل نبوده است بیش از حد به تحریک مسکو دست بزند. اسرائیل مراقب بوده است تا با هر قدرتی که ممکن است نسبت به منافع محوری مسکو در حیاط خلوت آن یک تهدید تصور شود، اتحاد برقرار نسازد.

همانگونه که در بحث های مربوط به گسترش ناتو مشاهده شد، روسیه حاضر به پذیرش اتحاد غربی در نزدیکی مرزهای خود، که آنرا نوعی تهدید برای آینده تصور می کنند، نبوده است.^{۲۸} اسرائیل و ترکیه هر دو از این هراس دارند که گسترش ناتو ممکن است روسیه را به دست زدن به اقدام ستیزه جویانه تر در «خارج نزدیک» خود تحریک کند و محدوده های وضع شده توسط پیمان نیروهای متعارف در اروپا^(۱) را زیر پا بگذارد.^{۲۹} در این فضای حساس، بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در اول مارس ۱۹۹۷ از مسکو دیدار کرد. او روابط دوجانبه و فرایند صلح خاورمیانه را با یلتسین رئیس جمهور، چرنومردین نخست وزیر و یورگنی پریماکوف وزیر خارجه مورد بحث قرار داد. نتانیاهو نگرانی خود پیرامون همکاری روبه افزایش فنی و نظامی روسیه با ایران و سوریه را ابراز کرد و استدلال کرد که این همکاری ثبات منطقه ای را به خطر می افکند.^{۳۰}

1. Conventional Forces in Europe (EFE)

به گفته سرگئی آروتیونوف^(۱) استاد برجسته علوم سیاسی روسیه، در این مرحله نتایج منفی حرکت مشترک اسرائیل-ترکیه در آسیای مرکزی ممکن است از نتایج بالقوه مثبت محدود، بسیار فراتر رود. او معتقد است که:

همکاری نزدیک ترکیه-اسرائیل از نقطه نظر جهانی یک واقعیت مثبت است. اما به طور کلی روابط روسیه-ترکیه و روسیه-اسرائیل را بدتر می کند. این حرکت ممکن است یهود آزادی «ضد سامی گری» روبه رشد در روسیه را دامن بزند. این مسئله باعث دامن زدن به اضطراب در ارمنستان نیز می شود. نخست، باید راه حل قابل پذیرش متقابلی برای قره باغ پیدا کرد و تنها در آن زمان آغاز تحقق همکاری ترکیه و اسرائیل در خاورمیانه و کشورهای شوروی سابق ممکن است. درغیراین صورت می تواند باعث نزدیکی های روسیه-عراق، روسیه-ایران و ارمنستان-ایران شود، و افراطیون ارمنی در جهان را به همکاری با افراطیون فلسطینی وادار سازد.^{۳۱}

اسرائیل و جمهوری های آسیای مرکزی

دولت اسرائیل در آغاز، دیپلماسی و تجارت را بر استفاده از نفوذ داخلی یهودیان در جمهوری های جدید آسیای مرکزی، علی رغم این که کشورهای مذکور جمعیت یهودی عمده ای داشتند، اولویت داد. بدین ترتیب اسرائیل در پایان ۱۹۹۲، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان را به رسمیت شناخت. سرانجام، در ۱۹۹۳ با ترکمنستان روابط دیپلماتیک برقرار کرد.

با این همه، از زمان استقلال آذربایجان و سایر جمهوری های شوروی سابق، انجمن های دوستی یهودی رخته اسرائیل در منطقه را گسترش بخشیدند. در دهه ۱۹۹۰، روابط میان یهودیان شوروی و اسرائیلی ها به دلیل مهاجرت فزاینده، نیرومندتر شده است، و سازمان های گوناگون اسرائیلی فعالیت های خود در آسیای مرکزی بعد از شوروی را شدت

1. Sergei Arutunov

بخشیده اند. برای نمونه، در مارس ۱۹۹۲، آژانس یهود کنفرانسی درباره تجربه اقتصادی اسرائیل در تاشکند برگزار کرد. در ژوئن، جامعه دوستی آذربایجان-اسرائیل اجلاسی در حيفا برپا کرد و در آن خواستار حمایت اسرائیل از دولت آذربایجان در مبارزه اش علیه ارمنستان شد. همین بنیاد بعدها فعالیت هایی را طی یک جشن مهم مذهبی یهودی سازماندهی کرد. در سپتامبر همان سال، آژانس یهود یک اردوگاه تابستانی برای کودکان قزاقستان و قرقیزستان سازمان داد.^{۳۳} در ضمن، اسرائیل در ازبکستان سفیر منصوب کرد، و این اولین سفیر اسرائیل در یک جمهوری آسیای مرکزی بود.

آذربایجان

همان گونه که قبلاً بحث شد، اسرائیل همان اوایل با آذربایجان روابط دیپلماتیک برقرار کرد، و برآشفته گی فراوان برخی کشورها را برانگیخت. در واقع مطبوعات ایران غالباً ترکیه را به خاطر کمک به اسرائیل برای برقراری روابط دیپلماتیک با آذربایجان مورد انتقاد قرار می دهند.^{۳۴} از آن زمان به بعد، اسرائیل تلاش کرده است نقش فعالی در امور آذربایجان چه از نظر اقتصادی و چه نظامی بازی کند.^{۳۵} برای نمونه، اسرائیل موضع قاطعی به نفع آذربایجان در کشمکش ناگورنو-قره باغ گرفت. برطبق برخی منابع، اسرائیل و ترکیه هر دو تسلیحات و تجهیزات نظامی برای آذربایجان فرستاده اند.^{۳۶} گرچه وزیر دفاع آذربایجان خرید موشک های استینگر را انکار کرد، اما حدس و گمان در مورد انتقال تسلیحات [به آذربایجان] همچنان ادامه دارد.

یک بررسی تحلیلی توسط خبرگزاری توران چنین اظهار کرد که «اسرائیل همیشه در آذربایجان به عنوان یک شریک استراتژیک بالقوه قلمداد می شود، و گاه نوعی احساس حیرت و شگفتی ابراز شده است مبنی بر این که همکاری آنها بسیار کند پیش می رود».^{۳۷}

همچنان که سوله کوت اشاره می کند، مقامات آذربایجان اهمیت ویژه ای برای اسرائیل قایل هستند. تعداد بازرگانان و تجار اسرائیلی در آذربایجان و کشورهای آسیای مرکزی به چند صد نفر رسیده است. او سپس چنین اظهار می کند که «به گفته مقامات آذربایجانی،

اسرائیل به عنوان یک کشور غیرمذهبی (سکولار)، دمکراتیک و قدرتمند نظامی غربی، می تواند برای دولت های خاورمیانه ای یک تهدید باشد؛ اما برای آذربایجان یک فرصت است.^{۳۸} حکومت آذربایجان روابط خوبی را با یهودیان ساکن آذربایجان دنبال می کند. حیدرعلی اوف رئیس جمهور آذربایجان از کنیسه تاتس (که بسیاری از یهودیان آذربایجان در آنجا زندگی کنند) دیدار می ند و تصویر او در دفتر کنیسه به دیوار زده شده است.^{۳۹}

در مارس ۱۹۹۲، پروازهای مستقیم چارتر میان آذربایجان و اسرائیل به طور منظم برقرار شد. اولین دیدار رسمی مقامات جمهوری آذربایجان از اسرائیل در سپتامبر ۱۹۹۲ صورت گرفت. طی گفتگوهای رسمی، همکاری متقابل در سیاست، اقتصاد، علم و فرهنگ در دستور کار قرار گرفت.^{۴۰} اسرائیل در فوریه ۱۹۹۳ در باکو سفارت باز کرد.

به گفته خبرگزاری ایران، یک هیأت اطلاعاتی اسرائیل در اوت ۱۹۹۵ وارد باکو شد. ایرنا این دیدار را به عنوان مأموریتی محرمانه برای آموزش مأموران امنیتی جمهوری آذربایجان توصیف کرد.^{۴۱} وزارت اطلاعات ملی آذربایجان این اتهامات را تکذیب کرد و متذکر شد که حاضر است به طور علنی با سرویس های ویژه بسیاری از سایر کشورها همکاری کند.^{۴۲} افـــرام سنه^(۱) وزیر بهداشت اسرائیل عنوان کرد که «اسرائیل در توسعه روابط با جمهوری آذربایجان منافع استراتژیک دارد، و آذربایجان نیز به همین نحوه این روابط علاقه مند است چون این روابط قادر است بنیادگرایی نشأت گرفته از ایران را ریشه کن کند.»^{۴۳} لوول بزانیس^(۲) با این نکته موافقت کرده و می افزاید که «علاقه آذربایجان به اسرائیل و بالعکس، از ترس متقابل آنها از ایران ریشه می گیرد. آذربایجان آرزومند است که با برقراری روابط با اسرائیل، از سوی آمریکا مورد نخستین و تشویق قرار بگیرد.»^{۴۴} این همکاری می تواند تلاش برای خنثی کردن فشار روسیه و مقابله با روابط روبه رشد ایران با ارمنستان و گرجستان تلقی می شود. در راستای همین خط فکر، الیزر یوتوت^(۳) اولین سفیر اسرائیل به آذربایجان گفت که موفق شده است روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان را «از صفر... به سطح عالی»

1. Efraim Sene
2. Lowd Bezanis
3. Eliezer Yotvat

برساند. صادرات اسرائیل به آذربایجان در چهار ماهه اول سال ۱۹۹۶، دقیقاً به ۳٫۵ میلیون دلار بالغ شد.^{۴۶}

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در راه برگشت خود از دیدار ژاپن و کره جنوبی، توقف کوتاهی در باکو داشت و در ۲۹ اوت ۱۹۹۷ با حیدر علی اوف رئیس جمهور آذربایجان ملاقات کرد. نتانیاهو طی سخنانی به شرح زیر نقاط مشترک فراوان دو کشور را ترسیم کرد:

ما دو مردم باستانی هستیم که در دهه های اخیر به استقلال دست یافته ایم و اکنون وظیفه ما به عنوان ملت های مستقل ادامه توسعه کشورهای خودمان است ... به این واقعیت نیز بسیار امیدوار هستیم که میان دولت یهود و ترکیه، اردن، مصر و کشورهای غالباً مسلمان رابطه برقرار می کنیم ... این به ما امید می دهد که تمامی بچه های (حضرت) ابراهیم بتوانند زیر خورشید واحدی که از آن سوی دریای خزر طلوع کرده و بر فراز مدیترانه غروب می کند، صلح و دوستی بیابند.^{۴۷}

علی اوف گفت که آذربایجان می خواهد از تخصص تکنولوژیک اسرائیل استفاده کند. نتانیاهو نگرانی خود را در مورد فروشهای احتمالی تکنولوژی هسته ای به دشمن اصلی کشورش، یعنی ایران، که مرز زمینی و دریایی طولانی با آذربایجان دارد، تکرار کرد.^{۴۸} علاوه بر این، نتانیاهو آذربایجان را به عنوان تدارک دهنده احتمالی نفت به اسرائیل توصیف کرد و بر یک پروژه خط لوله که آذربایجان را به انتقال نفت خام خود از طریق همسایه اش گرجستان و ترکیه به گوشه شمال شرقی دریای مدیترانه قادر می سازد و نیز بر ایجاد یک خط اضافی از طریق زیر دریا به اسرائیل تاکید ورزید. نتانیاهو گفت: «ما در این پروژه درگیر هستیم ... این پروژه ما را قادر می سازد تا نفت را به قیمت بسیار پایین تری خریداری کنیم».^{۴۹}

نتانیاهو به طور آشکار مسئله عملی بودن همکاری سه جانبه میان اسرائیل، ترکیه و آذربایجان را در ریشه کن کردن خیزش جزمی گرایی اسلامی ریشه گرفته از ایران مورد بحث قرار داد. روز بعد رادیو ایران ضمن حمله شدید به آذربایجان برای میزبانی از نخست وزیر

اسرائیل گفت «باکو با پذیرفتن نخست وزیر توسعه طلب رژیم صهیونیستی دست به بازی خطرناکی زده است. با این کار روابط خود با کشورهای اسلامی در منطقه و جهان را بی ثبات ساخته است.»^{۵۰} الکساندر آرزومانیان وزیر خارجه ارمنستان نیز همکاری نزدیک میان ترکیه و اسرائیل را برای منطقه فوق العاده خطرناک در نظر گرفت و گفت پیوستن آذربایجان به آنها برای این کشور (آذربایجان) خطرناکتر است. او بر اهمیت روابط تهران-ایروان در عصر توسعه سریع همکاری منطقه ای تاکید کرد.^{۵۱} این مسئله برای اسرائیل به ویژه مهم است که شرکت خود در محور ترکیه و آذربایجان را از طریق پاداش دادن به باکو استحکام بخشد. کمک اقتصادی در این رابطه کافی نیست. انتظار اصلی آذربایجان آن است که اسرائیل در راستای ایجاد مجرای نفوذ سیاسی کمک کند.

تاجیکستان

تاجیکستان نیز، همانند آذربایجان، با مواد خام ثروتمند و منابع انسانی فراوانش توجه بسیاری از سرمایه گذاران را به خود جلب کرده است. در حالی که این کشور زمانی به عنوان یک هدف سرمایه گذاری برای اسرائیل جذاب بود، این علاقه با شروع جنگ داخلی در تاجیکستان در ۱۹۹۲ از بین رفت. با این همه، اسرائیل هنوز روابط دیپلماتیک فعال را حفظ کرده و در جبهه اقتصادی نیز برخی فعالیت ها داشته است. سفیر اسرائیل در روسیه مسئولیت تاجیکستان را به عهده گرفت. در فوریه ۱۹۹۲، یک هیأت اسرائیلی به تاجیکستان سفر کرد و برای انتقال تخصصهای اسرائیلی در کشاورزی و بهره برداری از نفت خام تاجیک یک توافق امضا کرد.

عناصر اسلامی مدعی هستند که نقش مهمی در سیاست های تاجیکستان ایفا می کنند و حتی برای مدت کوتاهی کنترل حکومت را به دست گرفتند. اما اکبر تورجان زاده مقام مسلمان آنجا گفته است که با روابط دیپلماتیک اسرائیلی-تاجیکی مخالفتی نخواهد کرد. علی رغم این، در جریان تظاهرات آوریل ۱۹۹۲، شعارهای پارچه ای «مرگ بر آمریکا! مرگ بر اسرائیل» به طور آشکار به چشم می خورد.^{۵۲} در پاسخ، تعدادی از هیأت های تجاری

اسرائیل از تاجیکستان دیدار کردند تا به حکومت نشان دهند که جای ترس از دولت اسرائیل نیست.^{۵۳} در ماه اوت، نییف رئیس جمهور تاجیکستان، از آریالوین^(۱) سفر اسرائیل در دوشنبه استقبال کرد. رئیس جمهور تاجیک بازرگانان اسرائیلی را به کشورش دعوت کرده است.^{۵۴}

ازبکستان

اسرائیل روابط اساسی تری با ازبکستان داشته و تکنولوژی آبیاری محور آنرا تشکیل می دهد. در سپتامبر ۱۹۹۲، شرکت اسرائیلی بتاشیتا^(۲) قراردادی برای ساختن یک طرح آبیاری پیشرفته تکنولوژیک در منطقه آندرژان امضاء کرد. همان شرکت در ترکمنستان و تاجیکستان^{۵۵} نیز سرمایه گذاری کرده است. مزرعه نمونه آکورگان^(۳) پروژه امیدبخش دیگری است. این یکی از فعالیت های نمونه کشاورزی است که برطبق برنامه همکاری ویژه ماشاو-مرکز همکاری بین المللی وزارت امور خارجه اسرائیل^(۴) با همکاری آژانس آمریکایی توسعه بین المللی^(۵) (یوساید) به اجرا درآمد. هدف برنامه ماشاو-یوساید بررسی موضوعات عمده کشاورزی و پیشبرد تلاشهای اقتصادی و نیز همکاری بین المللی است. این برنامه بازتاب تعهد اسرائیل به سهیم کردن دیگران در تکنولوژیهای مناسب، دانش فنی، آموزش منابع انسانی و تجربه عملی حاصل شده در توسعه کشاورزی و روستایی است.^{۵۶} فعالیت های آموزشی، هم در اسرائیل و هم در ازبکستان صورت می گرفت.

اسرائیل تخصص خود در تولید پنبه را نیز به ازبکستان صادر می کرده است. به گزارش مه ۱۹۹۲ روزنامه تایمز مالی، پروژه های اسرائیل در ازبکستان محصول پنبه را ۳۰ درصد افزایش و مصرف آب را دوسوم کاهش داده است.^{۵۷} صادق صفایف، وزیر روابط تجارت خارجی ازبکستان متذکر می شود که رویهم رفته چهار شرکت اسرائیلی به طور منظم در ازبکستان فعالیت می کنند.

1. Arya Levin
2. Beta Shita Company
3. Akkurgan
4. MASHAW, the Centre For International Cooperation of Israel Ministry of Foriegn Affairs
5. U. S. Agency For International Development (USAID)

ترکمنستان

اسرائیل و ترکمنستان از سال ۱۹۹۳ با یکدیگر روابط دیپلماتیک داشته‌اند. اما، این شناسایی دیر هنگام مانع توسعه روابط اقتصادی قبل از آن تاریخ نشده است. در تابستان ۱۹۹۲، یک هیأت بازرگانی اسرائیل از ترکمنستان دیدار کرد تا تعدادی پروژه‌های تکنولوژی کشاورزی و توسعه روستایی پیشنهاد کند.^{۵۹} اما، هزینه آبیاری و نمک زدایی به تنهایی بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار می‌شد، و چون تهیه این مقدار پول برای دولت ترکمن دشوار بود، با این پروژه هنوز موافقت نکرده است. مناسب‌ترین راه حل در این رابطه یک توافق پایایی خواهد بود.

از زمان شناسایی رسمی در ۱۹۹۳، همکاری اقتصادی افزایش یافته است. در ۱۹۹۴، معاون نخست وزیر ترکمنستان از بیت المقدس و شیمون پرز از عشق آباد دیدار کرد. توافقهایی همکاری متعددی امضاء شده است. پروژه مشترک آمریکایی-اسرائیلی در مورد انتقال تکنولوژی کشاورزی و آموزش می‌تواند نشانه مهمی از توسعه همکاری‌ها قلمداد شود.^{۶۰} حجم تجارت میان ترکمنستان و اسرائیل به ۴۰ میلیون دلار در ۱۹۹۵ بالغ شد.^{۶۱}

علاوه بر این، در مارس ۱۹۹۵، ترکمنستان و اسرائیل توافقی در مورد همکاری در مراقبت بهداشتی امضاء کردند که به موجب آن اسرائیل در امور مراقبت از کودکان و مادران، بیمه پزشکی، سازمان خدمات آمبولانس و عرضه تجهیزات پزشکی به ترکمنستان یاری می‌کند.^{۶۲} شرکت اسرائیلی شرکای بن شانار^(۱) در حال حاضر خدمات مالی در ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان را توسعه می‌دهد.^{۶۳}

در ۲۵ مه ۱۹۹۵، ترکمن باشی نیازوف رهبر ترکمن به اسرائیل سفر کرد، و برای گفتگوهای متمرکز بر روابط اقتصادی دوجانبه، با هم قطار اسرائیلی خود عزروایزمن و نیز اسحاق رابین نخست وزیر و شیمون پرز وزیر خارجه ملاقات کرد. اسرائیل در یک پروژه آبیاری ۱۰۰ میلیون دلاری در ترکمنستان و طرح ساختن خط لوله گاز به ترکیه از این کشور، که برخی از بزرگترین ذخایر گاز جهان را دارد، درگیر است.^{۶۴} هیأت اجرایی مرهاو^(۲) - شرکت

1. Bin Shanar Associates
2. Merhav

اسرائیلی سرمایه گذار در ترکمنستان معتقد است که گسترش این خط لوله به اسرائیل امکان پذیر است.^{۶۵}

مرهاو یک قرارداد ۵۰۰ میلیونی دلاری نیز برای نوسازی پالایشگاه ترکمن باشی در ترکمنستان در اوت ۱۹۹۶ امضاء کرد. هدف پروژه بهبود دو واحد است، یکی واحد تبدیل کاتالیستی و دیگری واحد شکست کاتالیستی مولکولهای سنگین و تامین مخارج مالی یک واحد جدید سوم برای ساختن روغن گریس. یوسج آ. میمن^(۱) نماینده مرهاو، به طور مکرر به همراه ترکمن باشی در تلویزیون ترکن دیده می شد و مطبوعات ترکمن توجه خاصی را به فعالیت های شرکت میمن معطوف می کردند.^{۶۷}

قزاقستان

اسرائیل از نفوذ گسترده ای در قزاقستان برخوردار است. در ابتداء جمعیت تقریباً یک میلیون نفری آلمانی الاصل آن، اسرائیل را نگران می کرد، اما به زودی هرگونه مشکلی از طریق مانورهای دیپلماتیک و اقتصادی برطرف گردید. اسرائیل نیز همانند سایر کشورها، ابتدا پروژه های مربوط به کشاورزی را پیشنهاد می کرد. بتاشیتا، نتافیم^(۲) و مرهاو فعال ترین شرکت های اسرائیلی تا حال حاضر بوده اند.^{۶۸} در فوریه ۱۹۹۲، چهار پروژه متفاوت به منظور تولید گوجه فرنگی و پنبه به امضاء رسید و این پروژه ها بر طبق گزارشات محصولات گوجه فرنگی را شش برابر کرده است.^{۶۹}

سپس، در اکتبر ۱۹۹۲، یک رشته توافقیهای اضافی به وسیله دو کشور پذیرفته شدند،^{۷۰} و به دنبال آن شرکت اسرائیل لاشیست^(۳) به سرمایه گذاری های قابل توجهی دست زد. پروژه «بنیاد داوی»^(۴) این شرکت، بزرگترین ابتکار در کشاورزی و پرورش حیوانات تا حال حاضر شناخته شده است. این پروژه در کوتاه مدت تولید شیر را ۶۰ درصد افزایش داده و درعین حال

1. Yosej A. Maiman
2. Netafim
3. Lachist
4. Davy Foundatcon

هزینه‌های را به مقدار قابل توجهی کاهش داده است.^{۷۱} علاوه بر کشاورزی، اسرائیل در بخشهای دیگر، از بانکداری گرفته تا ایجاد فروشگاهها (بازارهای) بزرگ سرمایه‌گذاری کرده است.

قزاقستان از تحولات مثبت در فرایند صلح فلسطینی-اسرائیلی استقبال کرده است. وزارت خارجه قزاقستان در این رابطه بیانیه‌ای صادر کرد:

تحولات مثبت در خاورمیانه که به حل مسالمت‌آمیز کشمکش اعراب و اسرائیل منجر می‌شود غیرقابل بازگشت بوده و به نفع برقراری اعتماد متقابل، توسعه همکاری اقتصادی گسترده در منطقه و ایجاد یک نظام امنیتی هماهنگ و ادغام شده در آسیا می‌باشد.^{۷۲}

نورسلطان نظربایف در دسامبر ۱۹۹۵ از اسرائیل دیدار کرد. طی گفتگو با ایهود باراک وزیر خارجه اسرائیل، نظربایف گفت که آنها «در موضع اسرائیل در مورد مسئله ایران اشتراک نظر دارند و در جهت جلوگیری از نفوذ ایران در قزاقستان کار می‌کنند».^{۷۳} اسرائیل در نظر دارد تا شبکه ارتباطات قزاقستان را بسازد. اسرائیل تنها کشور خاورمیانه است که از یک امتیاز نسبی در تجهیزات ارتباطاتی برخوردار است. دو دولت قبلاً در مورد پروژه‌ای که شامل انتقال تلفن، تلکس و تلگراف می‌شود توافق کرده‌اند. اسرائیل همچنین ارتباط مستقیم ماهواره‌ای و تلگراف با ازبکستان برقرار کرده است. از زمان دیدار ترسنکو نخست‌وزیر قزاق از اسرائیل، پروازهای مستقیم میان دو کشور به طور منظم برقرار شده است.

قرقیزستان

کشور نهایی در این بحث جمهوری قرقیز است. عسکر آقایف رئیس‌جمهور طی دیدار از اسرائیل در ژانویه ۱۹۹۳، این کشور را به رسمیت شناخت. علی‌رغم اعتراضات برخی کشورهای اسلامی، آقایف گام بیشتری برداشت و در بیت المقدس سفارت باز کرد. در این

رابطه، روابط به ظاهر مثبت قرقیزستان با اسرائیل، ایران و برخی کشورهای دیگر را آزرده است. علی رغم این مخالفت، روابط میان دو کشور همچنان ادامه دارد. حکومت های اسرائیل و قرقیز در مورد همکاری در عرصه های گسترده از جمله رسانه ها، علم، تکنولوژی، فعالیت های فرهنگی و سرمایه گذاری مشترک موافقت کرده اند. علاوه بر این، اسرائیل قبلاً بخش مهمی از نیازهای قرضه بخشهای عمومی و خصوصی در قرقیزستان را برآورده کرده است.

نقش ایران و ترکیه

روشن است که تلاشهای اسرائیل برای ورود به کشورهای آسیای مرکزی و آذربایجان را نباید از نظر دور داشت. تلاشهای اسرائیل تا به امروز پرمفعت ترین طرح برای کشوری است که در پی ایجاد یک حوزه نفوذ برای خود در آسیای مرکزی است. به نظر می رسد که اسرائیل تنها کشور منطقه است که از تخصص مورد نیاز برای ارائه به این کشورهای جدید برخوردار است. درگیر شدن اسرائیل در بهبود بخش های مخابراتی کشورهای آسیای مرکزی جدی بودن این کشور را نشان می دهد.

این امر نباید باعث نادیده گرفتن این واقعیت شود که کشورهای عرب در ایران نیز علاوه بر فعالیت های فرهنگی خود، در عرصه های خاص کمک مالی و سرمایه گذاری پیشنهاد کرده اند. به ویژه نقش ایران در منطقه در طول زمان بسیار مهم است، چرا که تصویر یک خاورمیانه با ثبات و امن بدون ایران دشوار است اما نقش ایران در حال تحول و تکامل است. در واقع نشانه های فزاینده ای دال بر وقوع یک تحول میان اسرائیل و ایران مشاهده شده است.

اندکی پس از انتخابات اخیر اسرائیل، تهران نوعی تعدیل در رابطه با اعلامیه اسرائیل در قبال ایران و اسلام تشخیص داد. نتانیاهو در سخنرانی های اولیه اش مدعی شد که خصومتی با اسلام ندارد. او فشار سیاسی علیه ایران را کم کرد و در نوامبر ۱۹۹۶ از هلموت کهل صدراعظم آلمان به عنوان یک پوشش استفاده کرد تا از هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور ایران بخواهد از حملات تروریستی در اسرائیل جلوگیری کند.^{۷۵}

ترکیه نیز می‌تواند به ایران در بهبود روابط خود با جهان غرب کمک کند.^{۷۶} روابط روبه‌توسعه ترکیه با اسرائیل باید اهرم آنکارا در رابطه با اسرائیل و مخالفان ترکیه را افزایش دهد. علاوه بر این، در این رقابت شدید به اصطلاح «بازی بزرگ جدید»، اسرائیل و ترکیه باید نقشهای نمونه‌ای در همکاری جهت دموکراسی و عملکرد اقتصادی در خاورمیانه بزرگ ایفا کنند.^{۷۷}

وجود سلاحها و تکنولوژی هسته‌ای در آسیای مرکزی، اسرائیل را نگران می‌سازد و اهمیت استراتژیک منطقه را افزایش می‌دهد. هراس اسرائیل از احتمال انتقال سلاحها و تکنولوژی هسته‌ای به ایران ناشی می‌شود. بر طبق گزارشی که در فرانسه تهیه شده است، موساد و سازمان سیا متخصصان انرژی هسته‌ای کشورهای آسیای مرکزی را تحت نظارت دقیق قرار داده‌اند.^{۷۸} آمادگی خود مسکو به فروش دو رآکتور هسته‌ای به ایران، در عین اصرار بر اینکه از آنها جهت مقاصد نظامی استفاده نخواهد شد، اسرائیلی‌ها را نگران می‌سازد.

علاوه بر این، احتمال نصب و استقرار موشکهای زمین به هوای اس-۳۰۰ روسی در بخش یونانی قبرس می‌تواند نه تنها امنیت ترکیه بلکه آزادی عمل اسرائیل در مدیترانه شرقی را نیز به خطر اندازد.^{۷۹} بر طبق گزارشات مطبوعاتی با افزایش تنش بر سر انتقال احتمالی موشکهای اس-۳۰۰ روسی به قبرس یونانی، ایالات متحده، اسرائیل و آذربایجان با ترکیه تماس برقرار کنند تا اطلاعات مربوط به شیوه‌های احتمالی استفاده برای نقل و انتقال موشکها را فراهم سازد.^{۸۰} این وضع اسرائیل و ترکیه را وادار می‌سازد تا ابتکارات امنیتی جدیدی را تدارک ببینند. هیچ کشوری نباید منکر این مسئله شود که «هرگونه زیاده‌روی توسط ترکیه و اسرائیل، به همراه آنها آمریکا، می‌تواند مسکو را به تلاش جهت احیاء نقش خود به عنوان یک قدرت بزرگ از طریق ایفای نقش مجدد حامی کشورهای رادیکال‌تر در منطقه تشویق کند».^{۸۱}

نتیجه گیری

در مجموع، اسرائیل هم اکنون بخش جدانشدنی خاورمیانه جدید و گسترش یافته است. اسرائیل تلاش می کند از طریق تمرکز بر جمهوریهای آسیای مرکزی، یک سیاست خارجی ابتکاری جدید و منسجم در قبال منطقه تدوین کند. اسرائیل در سازگاری حرکت های سیاسی کوتاه مدت خود با استراتژی درازمدتش موفق شده است. به نظر می رسد که اسرائیل به بلندپروازی عمده خود در دوران جنگ سرد، یعنی تبدیل شدن به یک کانون اقتصادی در داخل خاورمیانه دست یافته است. اسرائیل که نسبت به لزوم اجتناب از به هم زدن موازنه های خطر استراتژیک آگاهی دارد، تلاش کرده است تا سیاست آسیای مرکزی ای خود را در جهت همکاری با قدرتمندترین متحدان خود، یعنی ایالات متحده و ترکیه سوق دهد. □

*این مطلب ترجمه ای است از:

Bulent Aras, "Post-Cold War Realities: Israel's Strategy In Azerbaijan and Central Asia," *Middle East Policy*, Vol. V, No.4 (January 1998).

1. Ahmet Davutoglu, "Yahudi Meselesinin Tarihi Donusumu ve Israili in Yeni Stratejisi" (The Historical Transformation of the Jewish Question and the New Israili Strategy), *Avrasya Dosyasi*, Vol. 1, No. 3 (Fall 1994), pp. 66-67.
2. Philip Robins, "The Middle East and Central Asia," *The New Central Asia and Its Neighbours*, Peter Ferdinand, ed. (London: Royal Institue, 1994), p. 66.
3. Anoushiravan Ehteshami and Emma C. Murphy, "The Non-Arab Middle East States and the Caucasian\Central Asian Republics: Iran and Israel," *International Relations*, Vol. 12, No. 1 (April 1994), p. 96.
- ۴- الکتوب با این نظر مخالفت کرده و معتقد است که کشورهای آسیای مرکزی این فرض را می‌پذیرد که روابط با اسرائیل با ید خصمانه باقی بماند تا بتوانند از کمک کشورهای ثروتمند عرب استفاده کنند. در این رابطه نگاه کنید به:
Martha Brill Olcott, *Central Asia's New States* (Washington: USIP Press, 1996), pp. 32-33.
5. Leon T. Hadar, "The Last Days of Likud: The American-Israeli Big Chill," *Journal of Palestine Studies*, Vol. 21, No. 4 (Summer 1992), pp. 87-88.
- ۶- مصاحبه شخصی با مقامات سفارت فلسطین در ترکیه، ۱۷ مارس ۱۹۹۷.
7. Anoushirvan Ehteshami, "New Frontiers: Iran, the GCC, and the CCARs," *From the Gulf to Central Asia: Players in the New Great Game*, Anoushiravan Ehteshami, ed. Exeter: University of Exeter Press, 1994, p. 96.
- رهايلمز، رئيس مركز تحقيقات داغستان معتقد است كه جمعيت يهودي در داغستان به مهاجرت به اسرائيل ادامه مي دهند و انجمن هاي دوستي تلاش مي كنند اين فرايند را گسترش دهند. (مكاتبه شخصي)
8. Ehteshami and Murphy, "The Non-Arab Middle East," p. 96.
9. Raphael Israeli, "Return to the Source: The Republics of Central Asia and the Return of the Middle East," *Central Asia Survey*, Vol. 13, No. 1 (1994), p. 29.
10. Anthony Hyman, "Central Asia and the Middle East: The Emerging Links," *Central Asia and the Caucasus*, Mohiaddin Mesbahi, ed. Gainesville: University Press of Florida, 1994.
11. Hadar, "The Last Days of Likud," p. 67.
- ۱۲- برای یک نظر مشابه نگاه کنید به:
"Kissenger mevfid ila es-Avsat li tenfizi garari taksiyimi Filistin" (Kissinger's Partition Plan of the Middle East Put Into Practice)," *Dispactch*, Vol. 4, No. 47 (1993), p. 797.
- ۱۴- برای اطلاع بیشتر از مطالب مفصل پیرامون گرایش‌های نوین در سیاست خارجی ترکیه، نگاه کنید به:
Kemal Kirisci, "New Patterns of Turkish Foreign Policy Behavior," *Turkey: Political, Social and Economic Challenges in the 1990s*, Cigdem Balim et al., eds.

(Leiden: E. J. Brill, 1995).

۱۵- برای اطلاع از دیدگاهی که اسرائیل را یک تهدید بالقوه برای اعراب و ایرانیان در نظر می گیرد، نگاه کنید به:

“el-edau’ el-musteriku li-Israil yefki li-giyami tehalufi Arabiyyi-Iraniyyi” (Israeli activities are enough to provoke tensions between Arabs and Iranians), *al-Aalem*. February 22, 1997, p. 27.

برای اطلاع از یک دیدگاه غربی در همین رابطه، نگاه کنید به:

Moura Naim, “L’attitude d’Israel et des Etats-Unis Suscite un Rapprochement enter les Pays Arabes et l’Iran” (The attitude of the U. S. and Israel is Leading fo Rapprochement between Iran and the Arab Countries), *Le Monde*, March 30-31, 1997, p. 2.

16. Hadar, “The Last Days of Likud,” p. 68.

17. Anatoli Korinsky, “Basbakan Ciller’in Basarili Orta Dogu Gezisi Sona Erdi” (Prime Minister’s Ciller’s Successful Middle East Trip Came to an End), Moscow Radio, November 8, 1994. Released by the Turkish General Directorate of Press.

18. DEIK (Dis Ekonomik Iliskiler Komisyonu\Turkish Foreign Economic Relations Board), Turk ve Israil’li Firmalar Arasinda Orta Asya Cumhuriyetlerinde Isbirligi Imkanlari Konulu Toplantı Notu (Summary Notes of the conference on possible cooperation among Turkish-Israeli foms in the Central Asian republics), (Istanbul: December 10, 1996).

۱۹- برخی محافل غربی مایل بودند تا اربکان با اردوگاه ضداسرائیلی متحد شود، و آنها برای در نظر گرفتن این موضع، از اربکان حمایت می کردند. برای اطلاعات بیشتر، نگاه کنید به:

“el-mafyave’l ahzab el-Almaniyye tetehelefu li-muhavelati hukumet er-Refah” (Germany and the Mafia behave contradictorily for the for the failure of Refah government), *al-Mujtama’a*, February 3, 1997, p. 38; “Erbakan Yutalibu ‘Israel et-Tahalli anf Tecavuzatiha,” (Erbakan demanded Israel withdrawal from occupied lands), *Al-Aalem*, April 19, 1997, p. 4.

۲۰- برای اطلاعات بیشتر، نگاه کنید به:

John M. Nomikos, Looking Back to See Forwards: Israel-Turkey Defense Relations, *RIES Research Paper*, No. 39 (July 1997): See also M. Hakan Yavuz, “Turkish-Israeli Relations Through the Lens of the Turkish Identity Debate,” *Journal of Palestine Studies*, Vol. 27, No. 1 (Autumn. 1997).

21. Sami Kohen, “Israil ile Stratejik Diylog” (Strategic Dialogue with Israel), *Milliyet*, May 7, 199, p. 5.

برای اطلاع از پیشینه روابط ترکیه و اسرائیل در چارچوب روند صلح اسرائیل - فلسطین، نگاه کنید به:

Bulent Aras, “ The Impact of the Palestinian- Israeli Peace Process on Turkish Foreign Policy,” *Journal of South Asian and Middle Eastern Studies*, Vol. 20,

- No.2(Winter 1997).
22. John Pomfret, "Some Neighborly Advice-Turkey Strenghtens Its Ties to Israel," *The Washington Post*, National Weekly Edition, June 10-16, 1997, pp.16-17.
23. Alakatuna mea Israil Hedefuh Istikrr el-Mintinka" (Target of our relations with Israel is to chieve peace in the region), *al-Wasat*, June 23,1997, pp.20-21.
24. Adam Garfinkle, "U.S.- Israeli Relations After the Cold War," *Orbis*, Vol. 40, No. 4 (Autumn 1996), p. 569; also see Bulent Aras, "U.S.-Central Asian Relations: AView Form Turkey," *MERIA Journal*, Vol. 1, No.1 (<http://www.biu.ac.il/SOC/besa/meria/aras.html>), 1996.
25. Turkish Ministry of Foreign Affairs, TICA Eurasian File, No. 20, 1994.
26. George E. Gruen, "Dynamic Progrss in Turkish-Israeli Relations," *Israel Affairs*, Vol. 1, No.4 (1995), p. 66.
27. Robert O. Freedman, "Israeli-Russisn Relations Since the Collapse of the Soviet Union," *Middle East Journal*, Vol. 49, No. 2(spring 1995),p.237.
28. ORT (Obsestvennoye Rosiakoye Televidinya), *Vremya (Time) New Bulletin*, May 7, 1997; *Rossiiskiye Vesti*, Februay 21, 1997;*Pravda*, February 22, 1997.
- ۲۹- برای یک تحلیل اخیر پیرامون تغییرات احتمالی در سیاست خارجی روسیه، نگاه کنید به:
Nezavisimaya Gazeta, February 8, 1997.
- علاوه براین، طراحان سیاست خارجی روسیه در جستجوی شرکای جایگزین از شرق نظیر چین و کره جنوبی هستند. نگاه کنید به:
- "Vi Rassiya"(From Russia), *Dagesanskaya Pravda*, March 27, 1997, and *Pravda*, may 10, 1997.
30. Scott Parrish, "Isreali Prime Minister in Moscow," *OMRI Daily Digest* (<http://www.omri.cz>), March 12, 1997.
- ۳۱- مکاتبه شخصی با سرگئی آروتیونوف رئیس دانشکده مطالعات قفقاز در موسسه قوم شناسی و انسان شناسی مسکو.
- ۳۲- عبدالکریم اورگن، رئیس دانشکده علوم سیاسی در دانشگاه قفقاز باکو (مکاتبه شخصی). او اطلاعاتی ارائه داد که براساس آن جمعیت جامعه یهودی در آذربایجان حدود ۳۸۰۰۰ نفر است که از این میان ۱۸۰۰۰ نفر در بخش کوبه زندگی می کنند. در دوران لنین، جمعیت یهودی شوروی به سمت شرق انتقال یافته و در ماوراء قفقاز مستقر شدند. در اواخر دهه ۱۹۷۰، جنبش ملی یهود، در جهت افزایش آگاهی قومی در میان جامعه یهودی آذربایجان تلاش کرد، اما این تلاشها تنها به مهاجرت تعداد اندکی از یهودیان به اسرائیل منجر شده است.
33. Ehteshami and Murphy, "The Non-Arab Middle East," p.97.
34. Henri J. Barkey, "Iran and Turkey," *Regional Power Rivalries in the New Eurasia: Russia, Turkey and Iran*, Alvin Z. Rubenstein and Oles M. Smolansky, eds. (Armonk:M.e. Sharpe, 1995), p. 155.

35. Azerbaijan Zaman (Baku), August 29, 1996; Azerbaijan?" *Middle East International*, October 23, 1992, p. 12.
36. Jane Hunter, "Israel and Turkey: Arms for Azerbaijan?" *Middle East International*, October 23, 1992, p.12.
37. Israeli Premier Visits Azerbaijan," *Turan Analytical Review*, Turan News Agency, No. 357, September 1, 1997 (root@ turan. azerbaijan. su).
38. Sule Kut, "Yeni Turk Cumhuriyetlerinin Dis Politikolari" (Foreign Policies of the New Turkic Republics), *Bagimsizligin İlk Yillari* (First Years of Independence), Busra Ersanli Behar, ed. (Ankara: Ministry of Culture Pub., 1994), pp.253-254. See also Yilmaz Bingol, Turkey's Policy toward Post- Soviet Central Asia, *RIES Research Paper*, forthcoming.
39. *The Philadelphia Inquirer*, July 21, 1997.
40. Ehteshami and Murphy, "The Non-Arab Middle Est," pp. 99-100.
41. BBC, Summary of World Broadcast (hereafter SWB), August 31, 1995, SU/ 2396, p. F/7.
42. SWB, September 5, 1997, SU/2400,p. F/3.
43. SWB, August 31, 1995, SU/2396, p. F/7.
- ۴۴- مکاتبه شخصی با لوول بزاینس تحلیل گر روابط خارجی در موسسه تحقیقات رسانه ای آزاد.
45. SWB, August 24, 1996, SU/2699, p. F/6.
46. Turk Sanayici ve Isadamlari Beynelhalk Cemiyeti (International Society of Turkish Industrialists nd Businessmen), *Isadamlari Icin Azerbaycan El Rehberi '96* (Azerbaijan Handbook for Businessmen '96) (Baku: Caglayan, 1996), p. 28.
47. Rafael Husainov, " Netanyahu/ Azerbaijan," *Voice of America*, August 29, 1997, Correspondent Report No.2-219147, via Habarlar-L, Azerbaijan News Distribution List (Habarlar-L- Request@USC. edu).
48. "Netanyahu Shops For Oil During Azeri Stopover," *Reuters News Agency*, August 29, 1997.
49. Jay Bushinsky, "PM Discusses Oil Pipeline in Baku." *Jerusalem Post*, August 31, 1997.
50. Iran Radio Slams Azerbaijan for Hosting Israeli PM," *Reuters News Agency*, August 30, 1997.
51. "Armenian Foreign Minister: Turco-Israeli Coopertion Perilous for Region," *IRNA*, September 10, 1997.
52. Robert O. Freedman. "Israel and Central Asia: A Preliminary Analysis," *Centrl Asia Monitor*, No. 2(1993), p. 17.

همانگونه که فریدمن استدلال می کند، تعیین نقش ایران در این دیدگاه نسبت به اسرائیل دشوار است.

53. *Al-Aalem*, September 7, 1993.
54. Carol R. Savietz, "Central Asia: Emerging Relations With the Arab States and Israel," *Central Asia: Its Strategic Importance and Future Prospects*, Hafee Malik, ed. New York: St. Martin's Press 1994, p. 319.
55. *The Christian Science Monitor*, September 25, 1992.
56. "Dairy Cattle Husbandry Demonstration Project in Uzbekistan," via web page of Israeli Ministry of Foreign Affairs (<http://www.israel-mfa.gov.il>).
57. *Financial Times*, May 6, 1992.
58. Ehteshami and Murphy, "The Non-Arab Middle East," p. 101.
59. *The Christian Science Monitor*, September 25, 1992.
60. "Fact Sheets: Central Asian Republics," *Dispatch*, Vol. 5, No. 19, 1994, p. 294; *Askabat Aksami* (Askhabat), February 7, 1994; *Ahal Durmusu* (Askhabat), July 21, 1994.
61. *Turkmenistan* (Askhabat), March 27, 1996.
62. *SWB*, March 13, 1995, SU 2250, P. G/17; *Askabat Aksami*, June 1, 1995.
63. *DEIK*, Turk ve Israeli'li, p. 3.
64. Lowell Bezanis, "Niyazov in Egypt, Isreal," *OMRI Daily Digest* (<http://www.omri.cz>), May 26, 1995; *Turkmenistan*, April 1, 1995.
65. David Harris, "Sharon, Russian s to Discuss Gas Deal," *Jerusalem Post* (<http://www.jpost.com>), August 26, 1996; *Turkmenistn*, October 8, 1996.
66. David Harris, "Merhav Wins \$500m. Refinery Upgrade Deal in Turkmenistan," *Jerusalem Post* (<http://www.omri.cz>), March 14, 1997.
- ۶۷- مصاحبه با محمد تورنا، دانشکده روابط بین الملل، دانشگاه ترکمن باشی، عشق آباد، ۳۰ آوریل ۱۹۹۷، استانبول.
68. Yosef A. Maiman, "Turk Cumhuriyetlerinde Yatirim," p. 73.
69. Gruen, "Dynamic Progress," p. 56.
70. *Financial Times*, January 28, 1993.
71. *DEIK*, Turk ve Israil'li, p. 6.
72. *SWB*, October 4, 1995, Su 2425, p. G/5.
73. *Ibid*:

علی رغم این بیانات، قزاقستان در پی توسعه روابط با ایران بوده است. نگاه کنید به:

"Velayeti fi- Kazakhstan li- Te'kit-it-Teavun" (Velayati is in Kazakhstan to consolidate coopertion), *Al-Aalem*, April 26, 1997, p. 4.
74. "Fact Sheets," p. 288.
75. Aluf Ben, "A Change in Israeli- Iranian Relations," *Ha'aretz*, November 10, 1996.

در رابطه بادیدگاه ایران در مورد فعالیت های ترکیه در جنوب شوروی سابق، نگاه کنید به:

Firozeh Nahavandi, "Russia, Iran and Azerbaijan: The Historic Origins of Iranian Foreign Policy," *Contested Borders in the Caucasus*, Bruno Coppietres, ed. Brussels, VUB University Press, 1996.

۷۶- برای استدلال مشابه به این، نگاه کنید به:

Kemal Kirisci et al., *Political and Economic Cooperation and Integration in the Middle East: An Analysis of Turkey's Mid-to Long-Term Regional Policy* (Istanbul: TESEV, 1997).

۷۷- اما هرگونه عقب گرد در فرآیند صلح بطور بالقوه ای می تواند ظهور این محیط مسالمت آمیز خاورمیانه را تهدید کند. برای اطلاعات بیشتر پیرامون فرآیند صلح در حال حاضر، نگاه کنید به:

Patrice Claude, "Un Inquietant Silence est Tombe sur la Poudriere de Gaza" (A worrisome Silence Has fallen over the powderkeg of Gaza), *Le Monde*, April 15, 1997, p. 4, and Alexander Buccianti, "*Le Monde*", April 15, 1997, p.4, and Alexandre Buccianti, "La Ligue Arabe Repred une Attitude Hostile al'Etat Hebreu" (The Arab League is again taking a hostile attitude towards the Jewish state), *Le Monde*, April 2, 1997, p. 2.

78. Ehteshami and Murphy, "The Non-Arab Middle East," p. 103.

79. Jay Bushinsky, "Russia's Role," *Jerusalem Post* (<http://www.jpost.com>), February 2, 1997.

80. *Turkish Daily News*, September 4, 1997.

81. Lowell Bezanis, "Turco-Israeli Accord Aggravates Regional Tensions," *OMRI Analytical Brief* (<http://www.omri.cz>), April 18, 1996.